



نقش معادشناسی در رفع تزاحم میل جنسی با سایر امیال از منظر قرآن کریم

علی رهیدا^۱

چکیده

ازجمله راهکارهای قرآن در ایجاد هماهنگی میان امیال، مداخله بینشی است که از مهمترین آن می‌توان به شناخت‌افزایی نسبت به معاد اشاره کرد. در پژوهش حاضر به روش تحلیلی-اسنادی و با تمرکز بر ضوابط تفسیر موضوعی، دیدگاه قرآن کریم در مورد نقش این شناخت در هماهنگی میان میل جنسی با سایر امیال بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که قرآن کریم میل جنسی را بسیار قدرتمند می‌داند که در بسیاری از تزاحمات غالب است، اما معادشناسی صحیح، تأثیر بسزایی در هماهنگی این میل با سایر امیال دارد. مقایسه بین امیال و لذت‌های دنیوی و اخروی، بیان ویژگی‌های کمی و کیفی آنها، توجه به ظهور ملکات نفسانی در قیامت و تأثیر امیال و گرایش‌ها در آن، تجسم اعمال و امیال در قیامت، بیان مکرر و تفصیلی پاداش و عقاب در رابطه با میل جنسی از راهکارهای قرآن کریم برای رفع تزاحم بین میل جنسی با سایر امیال است.

واژگان کلیدی: معادشناسی، ظهور ملکات، تجسم اعمال، میل جنسی، تزاحم امیال، تزاحم میل جنسی، تفسیر موضوعی.

The Role of Eschatology in Resolving the Conflict between Sexual Desire and Other Desires from the Perspective of the Holy Quran

Ali Rahid ¹

Among the Quranic strategies for creating harmony among desires is insight intervention, the most important of which is increasing knowledge about the resurrection. In the present study, using an analytical-documentary method and with focusing on the criteria of thematic interpretation, the perspective of the Holy Quran on the role of this knowledge in the harmony between sexual desire and other desires was examined. The findings of the study indicated that the Holy Quran considers sexual desire to be very powerful, which is dominant in many conflicts, but correct eschatology has a significant impact on the harmony between this desire and other desires. Comparing worldly and otherworldly desires and pleasures, expressing their quantitative and qualitative characteristics, paying attention to the emergence of sensual properties in the resurrection and the effect of desires and tendencies on it, embodying actions and desires in the resurrection, and repeatedly and in detail stating rewards and punishments in relation to sexual desire are among the strategies of the Holy Quran for resolving the conflict between sexual desire and other desires.

Keywords: eschatology, emergence of properties, embodying actions, sexual desire, conflict of desires, conflict of sexual desire, thematic interpretation.

DOI: 10.22034/IJWF.2024.18075.2222

Paper Type: Research

Data Received: 2024/02/15

Data Revised: 2024/07/06

Data Accepted: 2024/07/08

1. Ph.D., Department of Interpretation and Quran Sciences, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.

Email: alirahid66@gmail.com

 0000-0003-3891-3553

آفرینش انسان به گونه‌ای است که در وجودش انواع مختلفی از امیال نهاده شده است. از ویژگی‌های منحصربه‌فرد نفس انسان این است که این امیال به‌طور پیچیده با یکدیگر ارتباط دارند و حالات و شرایط مختلفی را پدید می‌آورند. فلسفه وجود امیال و گرایش‌های متزاحم به فلسفه خلقت انسان مربوط است. وجود این گرایش‌های متضاد در انسان او را اشرف مخلوقات و مفتخر به تاج «کَرَمنا» کرده است. وجود این تراحمات لازمه زندگی بشری است که با ترجیح یک میل عالی بر میل دانی، عمل او ارزش پیدا کرده و بر سایر موجودات تفوق و برتری پیدا می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰) اگر انسان اسیر امیال فرومایه شد و در ترجیح یک میل جانب امیال دانی را گرفت در نظام ارزش‌گذاری دینی از جایگاه رفیع انسانیت سقوط می‌کند و در صورت تکرار و مداومت از حیوانات نیز پست‌تر می‌شود. عبدالله بن سنان می‌گوید: «از امام صادق (ع) پرسیدم که شأن و مقام ملائکه بالاتر است یا انسان‌ها؟ حضرت در پاسخ از قول امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «خداوند عزوجل در فرشتگان عقل را بدون شهوت و در چهارپایان شهوت را بدون عقل و در فرزندان آدم هردو را قرار داد. حال کسی که عقلش بر شهوتش غالب شود به یقین از فرشتگان بهتر بوده و آنکه شهوتش بر عقلش غالب شود از چهارپایان بدتر است» (ابن بابویه، ۱۳۸۵).

از مهمترین و قدرتمندترین امیال انسان، میل جنسی است که نقش ممتاز و بی‌بدیلی در صعود یا سقوط انسان دارد. بسیاری از امتحانات و ابتلائات بشری مرتبط با تراحمات این میل با سایر امیال است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸). یکی از مهمترین راه‌های رفع تراحم میان امیال مختلف از جمله تراحم میل جنسی، راهکارهای بینشی است. راهکار بینشی، راهکاری از جنس شناخت و آگاهی است؛ یعنی با افزایش یا تغییر آن، میل جنسی با سایر امیال حرکتی هماهنگ و همسو خواهد داشت. در تبیین این مطلب باید گفت واضح است که در تراحم امیال، میلی برگزیده می‌شود که رجحان بیشتری دارد، اما بسیار اتفاق می‌افتد که انسان در تشخیص اینکه کدام میل رجحان بیشتری دارد دچار اشتباه در مصداق می‌شود و میلی که در واقع مرجوح بود را به دلیل تشخیص اشتباه، راجح تلقی می‌کند. در نگاهی دقیق‌تر مراحل شکل‌گیری یک عمل اختیاری عبارتند از: تصور عمل، تصور فایده، تصدیق به فایده، میل و انگیزه، تبدیل میل به شوق و شوق مؤکد و اراده و تصمیم‌گیری به

انجام عمل (فقیهی، ۱۳۹۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۶۷). از آنجاکه تصور و تصدیق به فایده از مقوله بینش‌ها و از سنخ شناخت است ایجاد میل و رغبت و تشدید و ترجیح آن، مسبوق و مترتب به انواع شناخت و آگاهی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲).

شناخت و آگاهی در این مرحله بسیار حساس به انسان کمک می‌کند که آن میلی را که هم لذت حقیقی دارد و هم در سیر کمالی انسان مفید است به صورت صحیح در نظر بگیرد و با نگاه دقیق و عاقلانه‌ای دست به انتخاب و گزینش بزند. مسئله معروف تعارض عقل و نفس مربوط به همین مرحله است که انسان به کمک عقل و آگاهی، رجحان و اهمیت یک میل و خواست را درک کند و چون انسان همیشه به دنبال سعادت و کمال است با روشنگری عقل، انتخاب درستی انجام می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰)؛ درست همانند خودرویی که برای تعیین مسیر و حرکت درست نیازمند چراغ و روشنایی است تا مسیر درستی را انتخاب کند. هرچه شناخت و آگاهی انسان بیشتر و دقیق‌تر باشد و افق بیشتری از مسیر پیش‌رو را آشکار کند حرکت و سیر بهتری خواهد داشت (مصباح یزدی، ۱۳۹۰). از این رو، گفته‌اند که تمام انواع عمل برخاسته از علم و آگاهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰)؛ یعنی علم و شناخت است که معین می‌کند انسان به کدام میل توجه و آن را انتخاب کند. از مهمترین شناخت‌های مورد تأکید قرآن برای ایجاد هماهنگی میان میل جنسی با سایر امیال توجه به مسئله معاد و ویژگی‌های مختلف آن است که یک سوم آیات قرآن کریم به این مسئله اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶). میل در زبان فارسی به معنی رغبت، اشتها، انگیزه، محبت، خمیدن، برگردیدن، انحراف و... است. (عمید، ۱۳۶۳، ذیل واژه میل) میل در مباحث انسان‌شناسی، کیفیات نفسانی است که منشأ اراده و حرکت ارادی در انسان است و در صورت فقدان آن، فعل اختیاری و ارادی محقق نمی‌شود. همچنان‌که میل به ارتزاق و تغذی همیشه در انسان وجود دارد، ولی این میل در شرایط خاص تحریک و تقویت می‌شود تا به اراده انسان منتهی شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸)

میل جنسی به معنی کشش و رغبت انسان به سمت مسائل جنسی و شهوانی است. حکما و فلاسفه این میل را قوه شهویه می‌نامند. (نراقی، ۱۳۷۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹) اصطلاح میل جنسی در قرآن به کار نرفته، اما در آیات بسیاری به این مفهوم اشاره شده است. مراد از



معاد در پژوهش حاضر، زندگی انسان پس از حیات در این دنیا است که اعم از عالم برزخ و قیامت کبری است.

در پژوهش حاضر به روش تحلیلی - اسنادی، دیدگاه قرآن کریم که منبع وحیانی و خطاناپذیر است را درباره نقش معادشناسی در رفع نزاع میان میل جنسی با سایر امیال بررسی شد. اگرچه در میان آثار موجود، پژوهشی مرتبط با پژوهش حاضر یافت نشد، ولی در لابه لای آثار بزرگان مطالبی مرتبط وجود دارد. آیت الله مصباح یزدی در آثار خود به ویژه در کتاب های انسان شناسی در قرآن (۱۳۹۹)، خودشناسی برای خودسازی (۱۳۹۶)، اخلاق در قرآن (۱۳۹۸) و... مسئله نزاع امیال و نقش معادشناسی و شناخت رابطه دنیا و آخرت در ترجیح امیال را بررسی نموده است. سید فقیهی در کتاب روش های تربیت اخلاقی قرآن در المیزان (۱۳۹۳) در صفحات ۳۱۷ تا ۳۲۶، تعارض امیال و عوامل ترجیح یک میل بر دیگری را به صورت اجمالی بیان کرده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. نزاع انواع امیال انسانی

گاهی امیال انسان به طور هم زمان با یکدیگر ارضا شده و درگیری و نزاعی با یکدیگر ندارند مانند زمانی که چند میل مختلف فرد را وادار به انجام یک عمل می کند. برای مثال، میل جنسی و میل به زیبایی طلبی، انسان را وادار به گزینش همسر می کند تا هردو میل با هم ارضا شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱) انسان با انتخاب همسر زیبا هم میل به زیبایی طلبی خود را ارضا می کند و هم در صدد ارضای میل جنسی خود برمی آید. قرآن کریم در سوره بقره سخن گروهی از مردم را نقل می کند که در کنار میل به کسب حسنات اخروی میل به حسنات دنیوی نیز در آنها وجود دارد: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره: ۲۰۱). گاهی نیز برخی از امیال با یکدیگر ترکیب شده و در کنار یکدیگر قرار می گیرند مانند انسانی که میل به غذا خوردن، میل به بقا، میل به قدرت، شوق به محبت کردن و جمال دوستی را با غذا خوردن در کنار محبوب و در محیطی زیبا ارضا می کند. گاهی امیال و کشش های انسانی قابل جمع در کنار یکدیگر نیست و ارضای هریک مانع و مزاحمی



در مسیر ارضای دیگری است. درست شبیه آهنی که در کشاکش نیروی بین دو آهن ربا قرار گرفته انسان نیز گاهی در بین کشش دو یا چند میل قرار گرفته است و رفتن به یک سو او را از ارضای سایر امیال بازمی دارد با این تفاوت که در طبیعت با وارد شدن نیروهای مختلف بر یک جسم آنچه در خارج محقق می شود برآیند جبری نیروهاست، ولی تراحم امیال در وجود انسان بدین گونه نیست که انسان مقهور جاذبه قوی تر باشد و همیشه نسبت به میل قوی تر، حالت انفعالی داشته باشد. انسان نیرویی دارد که بتواند در برابر امیال قوی نیز مقاومت کند و این توانایی را دارد که عملی مخالف با قوی ترین امیال خود انجام دهد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰) مانند کسی که بسیار گرسنه است و میل شدیدی به غذا دارد، ولی مطلع می شود که این غذا برایش ضرر دارد یا نهی شرعی در مصرف آن وجود دارد و در نتیجه از خوردن آن غذا منصرف می شود.

قرآن در ماجرای فریب حضرت آدم علیه السلام توسط شیطان، میل انسان به جاودانگی و قدرت طلبی را عامل اصلی بیان می کند و می فرماید: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى» (طه: ۱۲۰). در سوره اعراف آمده است: «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ مِنْ سَوَاتِمِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَكُونَا مَلَائِكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (اعراف: ۲۰). براساس این دو آیه، شیطان از گرایش و میل به بقا در وجود انسان آگاه است و با تحریک این میل زمینه اغوا را فراهم کرد. او همچنین برای فریب آدم علیه السلام از میل به قدرت طلبی او سوءاستفاده کرد و سلطنت و حکومت بی زوال را در درون او تزیین کرد تا بدین دلیل آدم علیه السلام در مقابل سایر امیال خود مغلوب شود و درصدد ارضای این دو میل برآید. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱)

براساس آیات دیگری از قرآن گاهی میل به دنیا طلبی و آسایش از سویی و ترس از فقر و تنگدستی از سوی دیگر به قدری شدت می یابد که انسان یکی از قوی ترین امیال و عواطف خود یعنی، حب فرزند و اولاد را نیز کنار می گذارد و آن را نادیده می گیرد: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَئِهِ إِمْلَاقٍ» (انعام: ۱۵۱). از این آیه و آیات مشابه می توان دریافت که چرا گروهی از عرب های جاهلی فرزندان خود را به دلیل فقر و تنگدستی نابود می کردند. تراحم امیال همیشه بین امیال عالی و دانی صورت نمی گیرد، بلکه گاهی تراحم بین دو میل مثبت نیز می تواند واقع

شود. قرآن کریم در مورد حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید: «إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعِشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ* فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (ص: ۳۱-۳۲). اگرچه در معنی و تفسیر این آیه اقوال متعددی بیان شد که برخی از آنها با ساحت قدسی انبیا علیهم السلام نیز ناسازگار است، اما آنچه صحیح به نظر می‌رسد این است که حضرت سلیمان علیه السلام به دلیل میل و علاقه‌ای که به جهاد در راه خدا داشت تعدادی اسب را برای این غرض تربیت می‌کرد که خود عبادت و در مسیر قرب الهی بود. با آنکه هرگز نماز حضرت سلیمان علیه السلام قضا نشده بود، پس از آنکه گله اسبان از نظرش ناپدید شد، دستور داد که آنها را برگردانند و به نوازش آنها مشغول شد. ایشان در هنگام این عبادت از عبادت دیگر یعنی، نماز بازماند و در ترجیح یکی از این امیال عالی، تربیت و رسیدگی به این اسبان را ترجیح داد (طباطبایی، ۱۳۹۰).

۱-۲. تراحم میل جنسی با سایر امیال

تراحم میل جنسی با سایر امیال و گرایش‌های انسان در آیات متعددی از قرآن اشاره شده است. در تراحم و کشاکش امیال گاهی حتی متقین نیز مغلوب و میل جنسی پیروز این تنازع است. خداوند در سوره آل عمران در توصیف متقین آورده است: «لِلْمُتَّقِينَ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۳-۱۳۵). فحشا به گناهی گفته می‌شود که قباح و زشتی آن در اوج و روشن باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸). از آنجاکه اهل ادب گفته‌اند کلمه شرط «اذا» بیشتر در جایی استعمال می‌شود که فعل شرط به طور یقین محقق شود (دسوقی و هندای، بی‌تا) می‌توان دریافت که متقین نیز گاهی در تراحم میل جنسی با سایر امیال متعالی، ارضای نامشروع میل جنسی را ترجیح داده و به آن روی می‌آورند، البته در ادامه خداوند متعال می‌فرماید: «متقین اصرار بر این کبیره نخواهند داشت و در تراحمات بعدی مراقبت خواهند داشت».

قرآن کریم میل جنسی را میلی عظیم و قوی معرفی کرده است (ر.ک.، نساء: ۲۷) که بسیاری از انسان‌ها را مغلوب خود خواهد کرد. از این رو، خداوند که از ضعف و ناتوانی انسان در کشاکش بین میل جنسی و سایر امیال آگاهی داشت تخفیفاتی برای انسان در نظر گرفته و راه‌هایی برای ارضای این میل تشریع کرده است: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء: ۲۸). در قرآن کریم آمده است که میل جنسی در صورت طغیان چنان قدرتی پیدا می‌کند



که انسان را وادار می‌کند تا چشمش را در مقابل سایر امیال و خواست‌های خود ببندد و تنها چیزی که می‌بیند ارضای بی‌چون و چرای این میل باشد. انسانی که به‌طور ذاتی میل به احترام، عزیز بودن، عقیف جلوه کردن و... دارد وقتی در مقابل طغیان غریزه جنسی قرار می‌گیرد هیچ توجهی به سایر امیال نداشته و همه را فدای ارضای این میل می‌کند. در ماجرای حضرت یوسف علیه السلام و زلیخا، قرآن کریم تعبیر «تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا» (یوسف: ۳۰) را برای زلیخا به‌کار برده است. از فعل مضارع «تُرَاوِدُ» برداشت می‌شود که درخواست زلیخا و نقشه‌کشی او برای کام‌جویی از حضرت یوسف علیه السلام یک مرتبه نبوده و استمرار داشته است و در ادامه علت آن را «شغاف» محبت بیان کرده است. در معنی شغاف، احتمالات متعددی بیان شده است از جمله پوست نازکی است که روی قلب را گرفته، سویدا و باطن قلب، دردی که به‌دلیل محبت شدید وارد قلب می‌شود و... (سمین، ۱۴۱۴.ق). در معنی جمله «قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا» نیز گفته‌اند: «گویی محبت یوسف علیه السلام غلاف و حجاب ظاهری قلب زلیخا را دریده بود و تا سویدا و باطن قلب او نفوذ کرده بود» (آلوسی، ۱۴۱۵.ق؛ طباطبایی، ۱۳۹۰). از آنجاکه قلب مرکز بینش‌ها و گرایش‌های انسان است قلب زلیخا که مالا مال از شوق کام‌جویی از یوسف علیه السلام بود به هیچ میل و گرایش دیگری اعتنا نداشت و فقط به دنبال خواسته جنسی خود بود. امام باقر علیه السلام ذیل این آیه فرموده است: «قَدْ حَجَبَهَا حُبُّهُ عَنِ النَّاسِ فَلَا تَعْقِلُ غَيْرَهُ» (قمی، ۱۳۶۳). این آیه مؤید همین برداشت است. امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی به آفت شهوت‌پرستی و توجه افراطی به غریزه جنسی اشاره کرده و فرموده است: «ذَهَابُ الْعُقْلِ بَيْنَ الْهَوَىٰ وَالشَّهْوَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶). برخی از بزرگان نقل کرده‌اند: «إِذَا قَامَ ذَكَرُ الرَّجُلِ ذَهَبَ ثُلَاثَا عَقْلُهُ» هرگاه غریزه جنسی انسان تحریک شود دوسوم عقل او می‌رود (فیض کاشانی، ۱۳۷۶؛ نراقی، بی‌تا). با توجه به توضیح ارائه شده در تقابل عقل و نفس می‌توان دریافت که ازاله عقل بدین معنی است که گرایش‌هایی که نیاز به تصدیق و تأیید عقل دارند از بین رفته و انسانی که غریزه جنسی او تحریک شده است توجه چندانی بدان ندارد.

قرآن در ماجرای قوم لوط که غرق در طغیان میل جنسی شده بودند، می‌فرماید: «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» (حجر: ۷۲). عمه به معنی تحیر و سرگردانی است (فراهیدی، ۱۴۰۹.ق؛ زمخشری، ۱۳۸۶). خداوند در این آیه به جان پیامبر صلی الله علیه و آله سوگند می‌خورد که قوم لوط در

مستی و بیهوشی ناشی از غلیان میل جنسی به سر برده و مانند کسی که عقلش را از دست داده است سرگردان و متحیر بودند. در سوره نمل نیز آنها را قومی جاهل خطاب کرده که حکم عقل را نادیده گرفته و بدان توجه نمی‌کنند: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (نمل: ۵۵). خداوند در سوره عنکبوت شدت مستی جنسی اینان را در حدی می‌داند که چنین عمل قبیحی را در ملاء عام انجام داده و گویی ابایی از شنیع بودن آن نداشته و آن را قبیح نمی‌دانستند: «أَإِنْكُمْ لَتَأْتُونَ الزَّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ» (عنکبوت: ۲۹). کلمه «نادی» به معنی جلسه‌ای است که همه اهل مجلس در آن حضور داشته باشند. (طباطبایی، ۱۳۹۰)

خداوند در سوره تغابن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ». (تغابن: ۱۴) امام باقر (ع) در ذیل این آیه فرمود: «زمانی که مسلمانان مکه قصد هجرت به مدینه داشتند برخی از همسران و فرزندان مسلمانان مخالفت کرده و گروهی از آنها نیز پذیرفتند و در مکه ماندند» (قمی، ۱۳۶۳). خداوند نیز در این آیه، مؤمنان را انداز می‌دهد: «مبادا غریزه جنسی و همسرخواهی شما مانع سایر گرایش‌ها و امیال متعالی شما شود». از این رو، برخی از همسران را در قالب دشمن معرفی کرده تا اشاره کند تبعیت و توجه افراطی به میل جنسی همانند دشمنی است که انسان را در مسیر سعادت و کمال نابود می‌کند. خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» نیز اشار به این مطلب دارد که لازمه ایمان حقیقی این است که فرد در تزاخم میان میل جنسی با سایر امیال متعالی تسلیم امیال و غرایز طبیعی نشود.

شاید علت نهی قرآن از ازدواج هم‌زمان با دو خواهر (ر.ک.، نساء: ۲۳) نیز این مطلب باشد که در تلاقی امیالی مثل کمال خواهی، حسادت، محبت، میل جنسی و... انسان باید مصلحت مهمتر را در نظر بگیرد و چشم را بر روی میل جنسی ببندد تا مبادا توجه بی‌چون و چرا به میل جنسی باعث بروز عداوت و حسد در جای دیگر شود؛ زیرا دو خواهر براساس رابطه نسبی علاقه و عاطفه شدیدی به یکدیگر دارند و اگر در جایی رقیب یکدیگر شوند و امیال قوی‌تری مثل میل جنسی در مقابل وارد شود احتمال اینکه این گرایش‌های عاطفی در کشمکش با سایر امیال قربانی شود، بسیار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱)

۳. معادشناسی و هماهنگ‌سازی میل جنسی با سایر امیال

شناخت دقیق معاد میل به دنیاگرایی و دنیاخواهی را که اساس خطاها و انحرافات است تضعیف می‌کند: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷.ق). از آنجاکه بسیاری از امیال دانی و پست انسان مانند میل جنسی جنبه دنیوی دارد و لذتی از لذایذ مادی را برطرف می‌کند کسی که فرجام‌شناسی دقیق داشته باشد، می‌تواند هماهنگی بین امیال دانی و عالی را به بهترین وجه انجام دهد. معادشناسی صحیح حتی امیالی مانند میل به بقا و کمال را نیز سمت‌وسوی مطلوب داده و در مسیر اصلی آن قرار می‌دهد. کسی که دنیا را تنها ظرف زندگی و حیات انسان بداند میلی مانند میل به بقا را فقط در این موطن جست‌وجو می‌کند. قرآن در مورد یهودیان می‌فرماید: «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ» (بقره: ۹۶). مفسران معتقدند مراد از حیات هزارساله، زندگی طولانی و ابدی است؛ زیرا در آن زمان آخرین عدد از نظر وضع، عدد هزار بود و بیشتر از آن را با ترکیب هزارهزار و... بیان می‌کردند (ر.ک.، طباطبایی، ۱۳۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲)، ولی کسی که معاد را خوب بشناسد برای آن بقای لایتناهی تلاش کرده و میل به بقا در این سرای فانی در او فروکش می‌کند: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) و «وَالَّذِينَ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (اعراف: ۱۶۹).

میل به فسق و فجور نیز متأثر از بینش صحیح از معاد مدیریت می‌شود و با اصلاح بینشی یاد شده این میل نیز عملکردی متناسب با سایر امیال خواهد داشت. قرآن در سوره قیامت علت میل انسان به فسق و فجور را عدم شناخت صحیح از قیامت می‌داند و می‌فرماید: «بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (قیامت: ۵-۶). کلمه فجر به معنی شکاف وسیع است و معصیت را از این نظر فجور نامیدند که باعث دریده شدن حریم دیانت است. (طباطبایی، ۱۳۹۰) آیه شریفه می‌فرماید: «انسان آرزو دارد در آینده عمرش آزاد باشد و به هر کاری که میل داشت بپردازد». از آیات قبلی و بعدی این آیات می‌توان دریافت که چنین میل و گرایشی در انسان در نتیجه انکار بعث و قیامت است (طباطبایی، ۱۳۹۰).

۳-۱. مقایسه بین حیات دنیوی و اخروی

قرآن در موارد گوناگون که شناخت درست نسبت به مسیر و مقصد وجود نداشت و انسان

در تعامل صحیح امیال دچار اشتباه می شود اقدام به ارائه بینش درست در این زمینه می کند. برای نمونه می فرماید: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی: ۱۶-۱۷). خداوند در این گونه آیات، میل به کمال خواهی انسان را هدف می گیرد و او را به سمت کمالی بهتر از نظر کمی و کیفی رهنمون می کند. از آنجا که عقلا برای ترجیح یک لذت بر لذت دیگر، لذتی را انتخاب می کنند که هم طولانی تر بوده و هم کیفیت آن بهتر باشد خداوند در این آیه، دو مزیت کمی و کیفی سرای آخرت را در مقایسه با دنیای فانی متذکر می شود تا میل لذت جویی و کمال خواهی انسان را متوجه کامل ترین آنها کند. انسانی که اندیشه و بینش درست داشته باشد هیچ گاه حیات و سعادت ابدی خود را قربانی لذت زودگذر میل جنسی نمی کند. از همین رو، قرآن در سوره آل عمران ابتدا تذکر می دهد که میل و گرایش به جنس مخالف در وجود انسان قرار داده شده است، ولی این امیال و خواست ها مختص حیات محدود و فرومایه دنیاست و بهترین این لذت ها و امیال هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی در سرای آخرت وجود دارد: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ قُلْ أَتُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَمُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ» (آل عمران: ۱۴-۱۵). خداوند در این آیات برخی امیال و گرایش های طبیعی انسان از جمله میل جنسی را ذکر کرده و ارضای آن را لازمه حیات انسان در زندگی دنیوی می داند. همچنین بلافاصله حیات اخروی انسان و انواع نعمات الهی در قیامت را متذکر شده تا انسان در مواجهه با این امیال دچار نسیان و فراموشی نشود و در تزامم این امیال انتخاب صحیح داشته باشد.

در ماجرای حضرت یوسف (علیه السلام) نیز یکی از علل مطرح شده از سوی آن حضرت در عدم اجابت درخواست زلیخا توجه به مسئله فلاح و رستگاری اخروی است: «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رِجِي أَحْسَنَ مَوَآئٍ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف: ۲۳). روشن است حضرت یوسف (علیه السلام) به طور ضمنی اشاره دارد که فلاح و رستگاری ابدی قابل اغماض و چشم پوشی نیست و لذت زودگذر دنیا در مقابل سعادت ابدی دیده نمی شود. قرآن در جای دیگر با بیانی نغز و زیبا از قول اهل بهشت نعمت های الهی سرای باقی را بدون هیچ گونه رنج و سختی معرفی کرده است



و می‌فرماید: «الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (فاطر: ۳۵). کلمه نَصَب به معنی سختی و مشقت و کلمه لغوب به معنی تعب و سختی در طلب معاش و سایر امور دنیوی است. (طباطبایی، ۱۳۹۰) برخی گفته‌اند که نصب به سختی‌های مادی و لغوب به مشقت‌های روحی گفته می‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵ ه.ق). از آیه فوق شریفه می‌توان دریافت که یکی دیگر از آفات لذاذذ دنیوی این است که پیوسته همراه با مشقت و سختی است. ارضای حلال میل جنسی در دنیا سختی‌های جسمی، روحی و مالی متعددی دارد، اما ارضای آن در بهشت هیچ‌گونه سختی و تلخی به همراه ندارد. انسان عاقل اگر درست تعقل کند ارضای میل جنسی زودگذر و همراه با رنج و سختی را بر لذت ابدی و بی‌رنج و بی‌مشقت مقدم نمی‌کند به‌ویژه اگر این ارضا از راه حرام باشد که عقوبت الهی را نیز در پی داشته باشد. از این رو، در روایات متعدد وارد شده است که در لذت و شهوت ناپایداری که بعد از آن ندامت، سختی و آتش است هیچ خیری وجود ندارد (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه.ق؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶).

۲-۳. ظهور ملکات نفسانی در قیامت

قرآن روز قیامت را روز آشکار شدن ملکات و پنهانی‌های نفس می‌داند: «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق: ۹). بزرگان و مفسران نیز به این آیه استناد کرده و رستاخیز را روز ظهور و بروز ملکات نفسانی و باطنی افراد دانسته‌اند (ر.ک.، جوادی آملی، ۱۳۸۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹). برخی از آیات و روایات دلالت دارند که علاوه بر اعمال، امیال و گرایش‌ها نیز در تشکیل ملکات نفسانی مؤثرند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷). ملاصدرا با استناد به این روایت به تأثیر امیال و گرایش‌های انسان بر ملکات نفسانی و جلوه کردن آن در قیامت استدلال می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳). در برخی از روایات آمده است: «کسی که میل و گرایش به مال اندوزی یا خودبینی دارد به شکل مورچه و کسی که تمایلات جنسی افراطی دارد به شکل خوک و... محشور می‌شود» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ه.ق؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ه.ق). قرآن از قول اهل جهنم می‌فرماید: «وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا تُكُونُونَ» (زخرف: ۷۷). این آیه مانند قول بنی اسرائیل خطاب به حضرت موسی علیه السلام است که در چندین مورد از عبارت «أَذْغُ لَنَا رَبِّكَ» استفاده کرده‌اند (بقره: ۶۱، ۶۸، ۶۹ و ۷۰؛ اعراف: ۱۳۴؛ زخرف: ۴۹؛ مائده: ۳۴). آنها به دلیل وجود ملکه تکبر و میل شدید به خودخواهی، هنگام درخواست

و خواهش از حضرت موسی علیه السلام با حالت غرور و تکبر می گویند: «خدای تو». اهل جهنم نیز به دلیل وجود همین امیال رذل و لئیم با وجود درک ربوبیت مطلق خداوند هنگام استمداد و التماس به جای «ربنا» از عبارت «ربک» استفاده می کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۰).

در سوره تکویر آمده است: «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (تکویر: ۵). برخی از مفسران و اهل نظر این آیه شریفه را به معنی حشر انسان ها به صورت حیوانات به دلیل داشتن گرایشات و امیال حیوانی دانسته اند (ر.ک.، موسوی خمینی، ۱۴۱۸ ه.ق؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۳ ه.ق). حال انسانی که بداند اگر میل جنسی او با سایر امیال دانی و عالی به صورت هماهنگ عمل نکند در کیفیت زندگی ابدی او مؤثر است و حشر او به صورت حیوان (خوک) خواهد بود به طور قطع، درصدد هماهنگ سازی این میل با سایر امیال نفسانی برخواهد آمد، حتی اگر این میل به مرحله عمل نرسیده و فقط گرایشی قوی در نفس انسان باشد. در تبیین کیفیت این تأثیر و تأثر گفته اند: «نفس آدمی قابلیت پذیرش صورت های مختلف را دارد. هریک از قوا وقتی به حد کمال خود رسید در عالم آخرت به صورت هم سنخ خود ظاهر می شود؛ زیرا صورت اخروی تابع ملکات نفسانی است که آدمی در همین دنیا برای خود تحصیل کرده است. اگر انسان در صراط زندگی به واسطه قوه عاقله تعادل سایر قوا را حفظ کرده باشد در طریق انسانیت است و با همین صورت در آخرت ظاهر می شود و اگر قوه عقل وی تحت رهبری قوای دیگر قرار گیرد باطن و صورت حقیقی او تابع همان قوه قرار می گیرد. این مطلبی است که در حکمت متعالیه به اثبات رسیده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

۳-۳. تجسم اعمال در قیامت

از آیات و روایات متعدد می توان دریافت که تمام اعمال انسان صورتی قدسی و ملکوتی دارد و انسان در آن دنیا با آن صورت ها روبه رو خواهد شد. (ر.ک.، بقره: ۸۱، ۱۱۰، ۱۶۷، ۲۷۲ و ۲۸۱؛ آل عمران: ۳۰، ۲۵، ۱۶۱ و ۱۸۰؛ لقمان: ۱۶؛ انبیاء: ۴۱ و ۴۷؛ نجم: ۴۰ و ۳۹؛ نبأ: ۴۰؛ ق: ۲۲؛ زمر: ۲۴، ۴۸، ۴۷ و ۷۰؛ انعام: ۱۰، ۲۸، ۳۱، ۱۳۹ و ۱۶۰؛ نحل: ۲۵، ۳۴ و ۱۱۱؛ احقاف: ۲۶ و ۱۹؛ هود: ۸ و ۱۱۱؛ انفال: ۶۰؛ تکویر: ۱۴ و ۱۲؛ یس: ۵۴) معنی ساده و روان تجسم اعمال این است که اعمال نیک دنیوی انسان در رستاخیز تغییر شکل می دهد و به صورت نعمت های بهشتی درمی آید چنان که اعمال بد به صورت آتش و زنجیر و انواع عذاب نمودار می شوند. هر عملی که انسان انجام می دهد خواه خوب باشد و خواه بد، صورتی دنیوی دارد و صورتی



اخروی که هم‌اکنون در دل و نهاد عمل نهفته است و روز رستاخیز پس از تحولات و تطوراتی که در آن رخ می‌دهد شکل کنونی و دنیوی خود را از دست داده با واقعیت اخروی خود جلوه می‌کند و موجب لذت و شادمانی و یا آزار و اندوه می‌شود. عادات و ملکات رفتاری انسان نیز به‌طور اولی در رستاخیز صورت ملکوتی خواهند داشت و در مقابل او مجسم می‌شوند. آگاهی از این مطلب که هر عملی چه بزرگ و چه کوچک در قیامت در مقابل انسان قرار می‌گیرد نقش بسزایی در هماهنگی امیال برای ارتکاب عمل دارد. قرآن در آیات فراوان به مسئله تجسم اعمال اشاره کرده است که مقتضای حال بسیاری از آنها انداز به انسان‌ها در هماهنگی امیال مختلف است. قرآن از قول لقمان به فرزندش می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان: ۱۶). در آیه ۳۰ سوره آل عمران آمده است: «يَوْمَ نَحْجُذُ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا كَسَبَتْ مِنْ سُوءٍ». اگرچه استناد به عمومات این آیات از بحث در مورد مواجهه با اعمال و امیال جنسی در قیامت بی‌نیاز می‌کند، اما آیه ۲۲۳ سوره بقره به‌طور خاص به این مطلب اشاره می‌کند: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَثُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ وَ قَدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ». هرچند احتمالات متعددی در معنای عبارات «قَدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» و «اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ» مطرح شده است، ولی یکی از احتمالات قابل توجه این است که مراد، تقدیم عمل صالح است (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲) و خداوند متعال بعد از بیان جواز استمتاع مختلف از همسر بیان می‌کند: «این اعمال شما به سرای آخرت پیش فرستاده شده و بدانید که در آن روز با این اعمال ملاقات خواهید کرد. اگرچه انواع بهره‌مندی‌ها برای شما تجویز شده است، ولی مراقب باشید توجه به میل جنسی به سمت افراط نرفته و این میل در تعامل و همکاری با سایر امیال فعالیت کند» (بقره: ۲۲۳). در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است: «عمل فحشا در قیامت به صورت بوی بسیار بدی آشکار می‌شود که تمام اهل محشر از آن در اذیت و آزار هستند» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ه. ق.).

در فرهنگ قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) عمل، فقط به عمل جوارحی اطلاق نشده است بلکه عمل مفهوم عامی دارد که اعمال قلبی و امیال و گرایش‌های انسان را نیز شامل می‌شود. در آیه ۲۸۳ سوره بقره آمده است: «وَلَا تَكُونُوا الشَّاهِدَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَاِنَّهُ آتَمٌ قَلْبُهُ»؛

خداوند اثم و فجور را به قلب نسبت داده است». امام صادق (ع) در مورد تجسم اعتقادات و گرایشات انسان‌ها در سرای دیگر فرمود: «در عالم قبر انسان خوش‌رویی وارد قبر شده، متوفی از او می‌پرسد تو کیستی. او پاسخ می‌دهد: أَنَا رَأَيْتُكَ الْحَسَنُ الَّذِي كُنْتُ عَلَيْهِ؛ من اعتقادات نیکوی تو هستم که بدان پایبند بودی. برای برخی نیز انسان زشت‌رویی وارد قبر می‌شود که تا آن وقت بدتر از او ندیده بود. از او سؤال می‌کند تو کیستی؟ جواب می‌دهد: رَأَيْتُكَ الْحَبِيثُ؛ من اعتقادات و گرایشات ناپاک تو هستم» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق). بااین وجود، تصور اینکه انسان در قیامت با تمام اعمال و امیال شهوانی خود مواجه خواهد شد و همه این اعمال بر او عرضه می‌شوند برای ترک افراط در توجه و عمل خارج از چارچوب میل جنسی کافی است.

۳-۴. بیان ثواب و عقاب

انسان به‌طور فطری از رنج‌ها و ناملایمات گریزان و به دنبال جلب منفعت است. قرآن در آیات فراوان به این مسئله توجه داشته و در روش تربیتی خود از آن بهره برده است. علاوه بر اینکه خوف از عذاب دنیا و قیامت در هماهنگی امیال مؤثر است شوق و امید به ثواب نیز در این مسئله بسیار مؤثر است. قرآن برای اینکه امیال حیوانی انسان طغیان نکند به‌طور مرتب یاد مرگ و قیامت را ذکر کرده (ثلث آیات قرآن) و بهشت و جهنم را به انسان یادآوری می‌کند. خداوند عاقبت کسانی را که مطیع امیال و هوس‌های نفسانی خود شده‌اند ابتلا به عذاب سخت معرفی کرده است: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص: ۲۶). قرآن به انسان می‌آموزد که اگر چندروزی در دنیا فشار و ناراحتی حاصل از مدیریت امیال و گرایشات را تحمل کرد پاداشی باارزش‌تر در قیامت در انتظار وی خواهد بود. قرآن در بیان پاداش این خویشتن‌داری می‌فرماید: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (زخرف: ۷۱). یکی از ویژگی‌های وارثان جاودان بهشت در سوره مؤمنون، محافظت از میل جنسی در برابر محرمات دنیوی معرفی شده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ* الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفَرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (مؤمنون: ۵-۱۱). در جای دیگر اجر و پاداش این عفیفاً و کنترل‌کنندگان میل جنسی را عظیم و باشکوه معرفی می‌کند: «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵).



کسانی که امیال حیوانی و غریزه جنسی خود را در چارچوب طراحی شده به کار نگرفته و به تعبیر آیات قرآن در گرایش به این امیال اسراف و تعدی کردند مستوجب رنج و عذاب در این دنیا و قیامت هستند. خداوند در مورد کیفر اهل فحشا می فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲). تحمل رنج تازیانه، سختی عدم توجه و ترحم، آبروریزی و تحقیر از عقوبت هایی است که خداوند برای جلوگیری از فعالیت افراطی میل جنسی وضع کرده است. در جریان قوم لوط نیز خداوند پس از بیان عذاب دنیوی آنها با بارانی از سنگ به دیگران دستور می دهد که از این ماجرا درس گرفته و مراقب میل جنسی خود باشند: «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (اعراف: ۸۴).

امام صادق (علیه السلام) نیز یاد مرگ و قیامت و حساب و کتاب آن دنیا را باعث نابودی شهوات می داند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يَمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ» (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰، منسوب به جعفر بن محمد (علیه السلام)). روشن است که مراد از میراندن، حذف و نابودی این امیال نیست، بلکه منظور عملکردی متعادل و هماهنگ با سایر امیال برای نیل به هدف خلقت است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) عدم طاقت انسان طاغی در برابر آتش مهیب جهنم را این گونه بیان می کند: «بدانید که این پوست نازک را طاقت بر آتش نیست، پس به خود رحم کنید که شما خود را در دنیا به مصائب و رنج ها امتحان کرده اید. آیا مشاهده کرده اید که یکی از شما به خاطر خاری که به بدنش فرومی رود و از لغزدنی که دچار خونریزی می شود و از ریگ داغی که او را می سوزاند چگونه ناله سر داده و اظهار درد می کند، پس چه طاقت و حالی خواهد داشت وقتی بین دو طبقه از آتش قرار گیرد درحالی که هم خوابه سنگ سوزان و همنشین شیطان شود. آیا می دانید وقتی مالک دوزخ بر آتش خشم گیرد آتش ها به روی هم غلتیده و یکدیگر را به سختی می کوبند و هرگاه به آتش بانگ زند آتش دوزخ بی تابانه از نهیب او در میان درهای جهنم برجهد» (شریف الرضی، ۵۱۴۱۴.ق.).

خداوند کسانی که میل جنسی خود را هماهنگ با سایر امیال به کار گرفته و در ارضای آن افراط و تفریط نکردند با وعده و بشارت مورد توجه قرار داده و از این رهگذر درصد تربیت آنها برآمده است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳)؛ «الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵). خداوند رحمان برای جبران لذت های



جنسی که به دلیل تعفف و تعدیل امیال در این دنیا به ظاهر فوت شده‌اند نعمت همسران بهشتی و حورالعین را مطرح می‌کند که اوصاف آن بدین‌گونه آمده است: «وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرَفِ» (صافات: ۴۸). زنان بهشتی، غیر از شوهران خود به دیگری چشمی ندارند و نسبت به آنان نیز با چشمی مستانه و عاشقانه نگاه می‌کنند؛ آن زنان هم عاشق شوهران خود هستند و هم تناسب سنی با آنها دارند: «عُرْبًا أَتْرَابًا» (واقعه: ۳۷)؛ آن همسران همچون لؤلؤ زیبا و دست‌نخورده هستند: «وَحُورٌ عَيْنٌ * كَامِلَاتُ الْوُلُوِّ الْمَكْنُونُ» (واقعه: ۲۲-۲۳) و هر وقت همسران نزد آنها می‌آیند آنها را باکره می‌یابند: «فَجَعَلْنَاهُنَّ ابْكَارًا» (واقعه: ۳۶). پستان آن زنان برآمدگی کمی داشته و تازه رسیده است: «وَكَاَعِبٌ أَتْرَابًا» (نبأ: ۳۳) و به این همسران احدی دست نزده است: «لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ» (الرحمن: ۵۶)؛ این همسران محفوظ و عقیف هستند نه مبتذل و فرومایه: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (الرحمن: ۷۲)؛ حوریه‌های منتظر در خیمه‌ها به قدری زیبا هستند که گویا یاقوت و مرجانند: «كَأَمْثَلِ الْيَاقُوتِ وَالْمَرْجَانِ» (الرحمن: ۵۸)؛ از نظر کمالات، لایق بهشت و بهشتیان هستند و از هرگونه کجی، انحراف و نقطه ضعف پاک هستند: «لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ» (نساء: ۵۷).

روایات ائمه علیهم‌السلام نیز پاداش اخروی تعدیل امیال انسانی را مافوق تصور بشر و خارج از درک و فهم او بیان کرده است و عبارت «مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ؛ آنچه که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ انسانی خطور نکرده» بسیار در کلام ایشان استعمال شده است. (قمی، ۱۳۶۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶) امیرالمؤمنین علیه‌السلام به نقل از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِنَّ الْجَنَّةَ حُقَّتْ بِالْمَكَارِهِ وَإِنَّ النَّارَ حُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ؛ بهشت پیچیده به سختی‌ها و دوزخ آمیخته به شهوات است» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ ه.ق)؛ یعنی اگرچه مدیریت و هماهنگی میل جنسی با سایر امیال متزاحم ممکن است با سختی‌هایی همراه باشد، ولی کسی که طالب نعمت‌های بهشت باشد لاجرم باید این سختی‌ها و مشقات را تحمل کند و اگر به خواست‌ها و شهوات خود پاسخ بی‌حد و مرز بدهد سرانجام به آتش دوزخ گرفتار می‌شود.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

قرآن یکی از ویژگی‌های انحصاری انسان را عدم انفصال و گسستگی امیال او می‌داند که به

یکدیگر مرتبط است و عملکرد پیچیده‌ای دارد. از این رو، گاهی ارضای یک میل با ارضای میل دیگر تراحم و تعارض خواهد داشت. از منظر قرآن، ابلیس با آگاهی از وجود چنین امیال متعارضی توانست آدم علیه السلام را فریب داده و او را به سمت خوردن میوه ممنوعه سوق دهد. (ر.ک.، طه: ۱۲۰؛ اعراف: ۲۰) این تعارض ممکن است بین امیال عالی و دانی یا بین دو میل دانی و یا میان دو میل عالی به وجود آید (ر.ک.، انعام: ۱۵۱؛ ص: ۳۱-۳۲). آیات وحی با اشاره به تراحم میان میل جنسی با سایر امیال در آیاتی میل جنسی را چنان قدرتمند می‌داند که می‌تواند بسیاری از امیال فطری انسان را مغلوب کند (ر.ک.، نساء: ۲۷-۲۸؛ آل عمران: ۱۳۳-۱۳۵). از برخی آیات قرآن می‌توان دریافت انسانی که به طور فطری میل به احترام، عزیز بودن و عقیف جلوه کردن دارد با فشار غریزه جنسی از همه این امور دست می‌کشد و فقط به سمت ارضای میل جنسی حرکت می‌کند (ر.ک.، یوسف: ۳۰). قرآن در سوره حجر قوم لوط را مستان جنسی معرفی کرده که در هنگام غلیان میل جنسی هیچ توجهی به سایر امیال انسانی و متعالی نداشتند تا جایی که در ملأ عام اقدام به فحشای جنسی می‌کردند.

قرآن در مقام مداخله شناختی برای رفع تراحم میل جنسی با سایر امیال در آیات فراوانی بر افزایش شناخت نسبت به مسئله معاد و حیات ابدی اقدام کرده است و ریشه بسیاری از ضلالت‌ها و انحرافات در این مسئله را فراموشی فرجام و معاد می‌داند. آیات الهی هنگام تراحم امیال مختلف با مقایسه حیات دنیوی با اخروی برای انتخابی درست، متذکر لذتی پایدارتر و لذیذتر در حیات جاودان می‌شود. (ر.ک.، آل عمران: ۱۴-۱۵) در سوره یوسف، التفات به این مطلب یکی از عوامل خویشتن‌داری جنسی حضرت یوسف علیه السلام در مقابل زلیخا مطرح شده است (ر.ک.، یوسف: ۲۳). گروهی از اهل معرفت و تحقیق با استناد به آیه ۹ سوره طارق، روز قیامت را موطن ظهور و بروز ملکات نفسانی انسان می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹). صدرالدین شیرازی و برخی دیگر از بزرگان معتقدند که علاوه بر اعمال، گرایشات و امیال انسان نیز در تکوین ملکات نفسانی دخیل است و کسی که در تراحم میل جنسی عملکرد متعادل نداشته باشد در قیامت با صورت نفسانی متناسب با آن میل محشور می‌شود. مستند قرآنی این دیدگاه آیه ۵ سوره تکویر است (موسوی خمینی، ۱۴۱۸؛

اشاره به تجسم اعمال و تجسد امیال انسان در قیامت از دیگر راهکارهای قرآن برای ایجاد هماهنگی میان میل جنسی با سایر امیال است. آیه ۲۲۳ سوره بقره به مواجهه انسان با رفتارهای جنسی در قیامت اشاره می‌کند. همچنین بیان پاداش‌هایی مانند همسران زیباروی، عفیف، شوهردوست، باکره و... برای کسانی که میل جنسی را تعدیل کرده و تذکر عواقبی مانند تازیانه، عدم توجه و ترحم، طرد اجتماعی، آبروریزی، تحقیر و عذاب برای کسانی که میل جنسی را خارج از چارچوب مطلوب با سایر امیال ارضا کرده‌اند از دیگر روش‌های قرآن برای رفع تزامم میل جنسی با سایر امیال است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۱). مترجم: مشکینی، علی. قم: نشر الهادی.
۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ هـ.ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الامالی. تهران: کتابچی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع. قم: کتابفروشی داوری.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ هـ.ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ هـ.ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). حق و تکلیف در اسلام. محقق: خلیلی، مصطفی. قم: مرکز نشر اسراء.
۹. موسوی خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ هـ.ق). تفسیر القرآن الکریم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۰. دسوقی، محمد، و هندوای، عبدالحمید (بی تا). حاشیه الدسوقی علی مختصر المعانی. بیروت: المکتبه العصریه.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶). مقدمه الادب. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۱۲. سمین، احمد بن یوسف (۱۴۱۴ هـ.ق). الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون. بیروت: دارالکتب العلمیه. منشورات محمد علی بیضون.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ هـ.ق). نهج البلاغه. محقق: الصبحی صالح. قم: هجرت.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱). تفسیر القرآن الکریم. مصحح: خواجوی، محمد. قم: بیدار.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). شرح اصول الکافی. مصحح: خواجوی، محمد. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناخرسرو.
۱۹. عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ هـ.ق). کتاب العین. قم: هجرت.
۲۱. فقیهی، سید احمد (۱۳۹۳). روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان. قم: مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۲۳ هـ.ق). الحقایق فی محاسن الاخلاق؛ قره العیون فی المعارف و الحکم؛

- مصباح الانظار، مصحح: محسن عقيل، قم: دارالكتاب الاسلامي.
۲۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۶)، *المحجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، مصحح: غفاری: علی اکبر، قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه.
۲۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ هـ.ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ هـ.ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، *اخلاق در قرآن*، محقق: اسکندری، محمد حسین، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲)، *انسان سازی در قرآن*، محقق: محمود فتحعلی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰)، *انسان شناسی در قرآن*، محقق: محمود فتحعلی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس علیه السلام.
۳۰. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴)، *به سوی خودسازی*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس علیه السلام.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸)، *پیش نیازهای مدیریت اسلامی*، محقق: متقی فر، غلامرضا، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷)، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران: مؤسسه اطلاعات.
۳۳. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸ ب)، *رستگاران*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۴. مصطفوی، سید حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، *پیام قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام (۱۴۰۰)، *مصباح الشریعه*، بیروت: اعلمی.
۳۸. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹)، *شرح حدیث «جنود عقل و جهل»*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۸)، *معراج السعاده*، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
۴۰. نراقی، محمد بن ابی ذر (بی تا)، *جامع السعادات*، مصحح: کلانتر، محمد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.